

مطالعه‌ی تطبیقی رابطه‌ی انسان و محیط زیست در تفکر توسعه‌ی پایدار و تفکر اسلامی



ایمان قلندریان*

دانشجوی دوره دکتری شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

علی اکبر تقوایی**

دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، دکتری طراحی شهری آدلاید استرالیا

مریم کامیار***

استادیار، گروه هنر و معماری، بنیاد دانشنامه نگاری ایران، دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۶/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۱۱

چکیده:

بحران‌های زیست‌محیطی یکی از مهمترین چالش‌هایی است که جامعه‌ی بشری با آن‌ها مواجه است. مکاتب گوناگون برای حل این بحران‌ها راه‌حل‌های مختلفی را بیان نموده اند؛ از جمله توسعه‌ی پایدار، حفاظت‌گرایی، صیانت‌گرایی، اخلاق زمین، نیکداری و پایداری. اما با وجود راه‌حل‌های ارائه شده، بحران‌های زیست‌محیطی ادامه دارند و به واسطه‌ی بهره‌برداری بیشتر از منابع تشدید شده‌اند. این تحقیق در پاسخ به چرایی وجود بحران‌های زیست‌محیطی علی‌رغم تشکیل نهادهای مرتبط و فراگیر شدن مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار- و واکاوی جایگاه محیط زیست و چگونگی رابطه‌ی انسان با آن در اندیشه‌ی اسلامی انجام شده است.

در این پژوهش از روش مقایسه‌ی تطبیقی عرضی و توصیفی تحلیلی استفاده شده است. با بررسی توصیفی مفاهیم انسان و محیط زیست در تفکر توسعه‌ی پایدار و اندیشه‌ی اسلامی به مقایسه‌ی تطبیقی و تحلیلی میان آن‌ها پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که برای حل بحران مذکور نیاز به انقلاب و تغییر مفاهیم انسان و ترسیم دوباره ارتباط میان انسان و طبیعت می‌باشد. همچنین باید جایگاه طبیعت و انسان در نظام آفرینش مورد تجدید نظر قرار بگیرد. در این تحقیق نشان داده شده است که یکی از علل بوجود آمدن بحران‌های زیست‌محیطی تغییر مفهوم انسان، سلطه‌جویی او، راه غلبه بر آن و تغییر نگرش افراد نسبت به مفهوم و جایگاه انسان مدرن می‌باشد. توسعه‌ی پایدار، همان تعریف مصطلح دوره‌ی رنسانس درباره انسان را قبول می‌کند و بدون توجه به ریشه‌های به وجود آمدن بحران، به مسائل سطحی توجه می‌کند. آنچه در توسعه‌ی پایدار اهمیت دارد؛ لزوم عدالت بین یک نسل و میان نسل‌ها می‌باشد. از نظر اسلام، طبیعت موجودی است هوشمند و دارای ملکوت که اگرچه برای انسان خلق شده است؛ اما انسان مجاز نیست هرگونه که تمایل دارد از آن استفاده نماید؛ چون طبیعت امانتی در دست انسان است و انسان به عنوان جانشین خداوند باید نسبت به سایر آفریده‌های خداوند امانت‌دار باشد.

واژه‌های کلیدی: انسان، محیط زیست، اسلام، توسعه پایدار.

۱. مقدمه

تخریب محیط زیست به دلیل پیامدهای ناگواری که برای بشر به همراه داشته است؛ تبدیل به یکی از بزرگترین چالش‌های دنیای معاصر شده است. این بحران نخست در غرب آغاز شد و پس از آن با ورود مدرنیته به شرق در سطحی جهانی مطرح شد بحران‌های محیط‌زیستی معاصر، زاینده‌ی اندیشه‌های مادی‌نگر، توسعه‌طلب، سلطه‌جو و بحران‌های محیط‌زیستی از تبعات آشفته‌گی ارتباط انسان و محیط است.

اندیشمندان از مکاتب و علوم مختلف برای حل این بحران نظرات و ایده‌های فراوانی داده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای مردمی، دولت‌ها اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه نگرانی خود را با حضور در همایش‌ها و کنگره‌های جهانی نشان داده‌اند.

رویکرد هایی نظیر حفاظت‌گرایی^۱، صیانت‌گرایی^۲، بوم‌شناسی اجتماعی^۳، حقوق حیوانات^۴، اخلاق زمین^۵، اکوفمینیسم^۶، نیکداری^۷، توسعه‌ی پایدار^۸ از جمله مواردی است که جامعه جهانی برای مقابله با این بحران عظیم زیست‌محیطی اتخاذ نموده است (عابدی سروستانی و دیگران ۱۳۸۶، ۶۴).

با وجود اینکه توسعه‌ی پایدار در دو دهه‌ی اخیر به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای جامعه بشری مورد توجه قرار گرفته است؛ اما هنوز بحران و آلودگی‌های زیست‌محیطی در جهان وجود دارد. عدم تحقق اهداف آن را باید در ریشه‌ها و نگاه بنیادین این نگرش به انسان و محیط زیست و چگونگی رابطه انسان با محیط زیست دانست.

متفکرین معتقدند در قرن هفدهم شناخت دینی طبیعت مشروعیت خود را از دست داد و می‌توان گفت معنویت‌زدایی از طبیعت و تنزل قوانین عالم به قوانین ریاضی محض که علت بحران محیط زیست است؛ ناشی از فلسفه‌ی متجدد است و نه علم متجدد. به همین دلیل به واکاوی تاریخ غرب از دیدگاه مابعدالطبیعی و مذهبی می‌پردازند تا به کشف علل این بحران نائل شود (قاسمی ۱۳۹۰، ۸۶) و سه علت مهم را برمی‌شمارند؛ تقدس‌زدایی تدریجی از طبیعت، خردگرایی^۹ و انسان‌گرایی^{۱۰}.

از آنجا که دین اسلام برای تبیین ارتباط احسن انسان و محیط، دستورات، آیات و روایات متعددی دارد؛ در این مقاله رویکرد آن مورد بررسی قرار گرفته است. وظیفه‌ی دین در مقابله با این بحران علاوه بر اخلاقیات، تدوین علمی، مبتنی بر آموزه‌های قدسی^{۱۱} می‌باشد.

۲. روش پژوهش

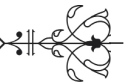
این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی به مقایسه میان دو تفکر توسعه‌ی پایدار و دین اسلام پرداخته است. این مقاله پس از بررسی رابطه‌ی انسان و محیط در دوران کلاسیک و قرون وسطی به تطور آن در دوران مدرن پرداخته و سپس به توسعه‌ی پایدار و ویژگی‌های آن اشاره شده است. پس از آن انسان و محیط زیست در فلسفه و متون اسلامی تعریف و رابطه‌ی میان آن‌ها تبیین می‌شود و در نهایت رابطه‌ی انسان و محیط زیست در این دو تفکر مقایسه شده است.

۳. مبانی نظری

همانطور که ذکر شد؛ متفکرین معتقدند در قرن هفدهم شناخت دینی طبیعت، مشروعیت خود را از دست داد و معنویت‌زدایی از طبیعت شروع شد و قوانین عالم به قوانین ریاضی محض تنزل پیدا کرد و این باعث به وجود آمدن بحران‌های محیط زیست شد. بنابراین لازم است این تغییر نگرش مورد بررسی قرار گیرد و ریشه‌ها و نگاه بنیادین مکاتب فلسفی به انسان و محیط زیست و چگونگی ارتباط میان آن‌ها را تحلیل شوند.

در منابع فلسفی تاریخ فلسفه به سه دوره تقسیم می‌شود. فلسفه‌ی قدیم (یونان و روم قرن ۷ قبل از میلاد تا ۵ میلادی)، فلسفه‌ی میانه (قرون وسطی و رنسانس قرن ۶ تا ۱۶ میلادی)، فلسفه‌ی مدرن (قرن ۱۷ تا ۲۰ میلادی)^{۱۲}. به منظور تبیین مفهوم انسان مدرن و طبیعت و جایگاه آن دو در نظام آفرینش لازم است فلسفه‌ی یونان، قرون وسطی و رنسانس مطالعه گردد. جدول ۱ به بررسی مفهوم و جایگاه طبیعت در نگرش صاحب‌نظران این دوران پرداخته است.





جدول شماره ۱: بررسی مفهوم و جایگاه طبیعت در نظام آفرینش در دوران یونان باستان، قرون وسطی و رنسانس

دوره	اندیشمند	نظرات
فلسفه ی یونان	فیثاغورث	محور اصلی تفکر وی مفهوم نظم، بویژه نظم موسیقایی و ریاضی است. فیثاغورث معتقد است جهان آفرینش از نظر ریاضی قابل شناخت است؛ اما به این شرط که مراد از ریاضیات هم مفهوم کمی و هم کیفی آن باشد. بنابراین جهان هم بعد کمی دارد و هم کیفی.
	افلاطون	مُثل افلاطونی، حقایقی هستند که در عالمی بالاتر از عالم محسوسات قرار دارند. وی همه دنیای اطرافمان را - که به وسیله حواس از آن مطلع می شویم - دنیایی متحرک تغییر پذیر و فناپذیر می دانست. یک نظام و کیهان که زنده است و به سوی خیر حرکت می کند؛ بنابراین هدفدار است. پیکر و جسم عالم دارای روح است. روح عالم بر جسم عالم سابق است و دارای نظم است (در مخالفت با شکاکان و ماده گرایان). نظم طبیعت انعکاسی از نظام الهی است. عالم طبیعت شبیه آفریننده است.
	ارسطو	تغییرات عالم بر اساس نظم است و بر خلاف اتمیست ها این تغییرات را غایت دار می داند. در تمامی طبیعت عشق خداوند جاریست فرآیند طبیعت با عشق خدا صورت می گیرد. حتی حرکت های جبری طبیعت خارج از این عشق نیست. در نتیجه یک نظم بسیار پر قدرت در فرآیند طبیعت و در بطن یک کیهان بسیار منظم وجود دارد که تحت تأثیر عشق معقول می شود.
قرون وسطی ۵ تا ۱۵ میلادی	یوهانس اسکاتزارینگنا	نظام طبیعت مستقیماً از خود نظام الهی صادر می شود. فرآیند طبیعت مجدداً به بازگشت به خداوند رهنمون می شود. خداوند علت فاعلی تمام موجودات است و انسان نمی تواند زمینه ی حقیقی وجود را درک کند. خداوند متعالی و آسمانی است و همه اشیا را قبل از تجلی وجودی خلق می کند. او هم آغاز و هم پایان نظام طبیعت است. خداوند دلیل غایی عالم است.
	سنت توماس آکوئینی	مخلوقات خدا از عدم آفریده شده اند و کاملاً به او وابسته و با اراده خداوند حرکت می کنند. خدایی که هم علت فاعلی و هم علت غایی همه اشیا است. برای همه ی اشیا تنها یک مقصد نهایی مقدر شده است؛ یعنی پایانی که خداوند در نظر دارد که همان خیر الهی می باشد. هدف غایی نظام طبیعت تحقق آفرینش است. عالم طبیعت عالمی است که کلیه ی اشیا به صرف وجودشان از خداوند تقلید می کنند.
مدرن	دکارت	هرچه از نظر علمی قابل اعتبار نباشد؛ وجود ندارد و طبیعت تنها از جنبه ی کمیات ملموس مانند اندازه، وزن تشکیل شده است و ارزش های ذاتی و غیر قابل اندازه گیری مانند زیبایی اهمیت چندانی ندارد. جهان، جهانی یکدست و مکانیکی است که صرفاً حاوی امتداد و حرکت است. بنابراین دکارت طبیعت را از کل حقیقت هستی شناسانه ی آن به استثنای جنبه ی کمی اش تهی کرد و منجر به پیدایش مفهوم مکانیکی از نظام طبیعت و تهی شدن آن از هرگونه واقعیت مذهبی شد.





جایگزین آن کرده و آن را به عنوان داروی جامعه تلقی می کند.

در این دیدگاه طبیعت چیزی است که انسان در پدید آوردن آن دخالت نداشته باشد و طبیعت محصول دیالکتیک ذهنی انسان و جهان عینیات است. طبیعت، کل کره زمین و حتی عالم وجود مشتمل به همه‌ی موجودات و از جمله انسان، عناصر طبیعی اعم از داخل یا خارج محیط‌های زیستی را در بر می‌گیرد (نقی‌زاده ۱۳۸۴، ۳۳).

انسان در این دوره، علم را به عنوان ارزش مطلق به حساب می‌آورد و هر چیزی که بتواند به رشد علم کمک کند را بکار می‌گیرد. همان گونه که بیکن نیز می‌گوید: علم قدرت است بنابراین تسلط بر طبیعت ارزشمند می‌شود. نتیجه‌ی این نوع تفکر ارج ننهادن به طبیعت به عنوان عنصری قابل احترام در جهان آفرینش است. به طور خلاصه می‌توان ویژگی‌های انسان‌گرایی رنسانس و مدرن را به شرح جدول ۲ خلاصه نمود.

در دوران یونان باستان و قرون وسطی طیف غالب فکری این است که جهان آفرینش توسط خداوند آفریده شده و با علم الهی سنجیده شده است و علت فاعلی و غایی آن، خداوند است و این جهان هدفدار است و به سمت کمال حرکت می‌کند که این کمال را خیر الهی می‌نامند. «در یونان، طبیعت منزلگاه خدایان است» (قدوسی‌فر و دیگران ۱۳۹۱، ۳۹). انسان نماینده‌ی کل طبیعت است؛ بنابراین رابطه‌ی انسان با طبیعت باید مبتنی بر حفظ حریم و حقوق سایر موجودات باشد. اما این طرز تفکر در رنسانس و به خصوص در دوران مدرن تغییر می‌یابد و اساس تفاوت آن، تغییر مفهوم انسان در این دوره است. ظهور انسان‌گرایی رنسانس - که از قرن ۱۵ میلادی به بعد می‌باشد - با پیشینه‌ی گذشته آن تفاوت دارد. می‌توان گفت دوره‌ی رنسانس همچون زمینی بود که بذر تفکر مدرن در آن کاشته شد. با انقلاب دکارتی، طبیعت دیگر موجودی قابل احترام و مقدس نیست. طبیعت تبدیل به آزمایشگاهی برای اثبات نظریه‌های گوناگون می‌شود. انسان علم را

جدول ۲. ویژگی‌های انسان‌گرایی مدرن (مأخذ: نگارندگان، اقتباس از نصر ۱۳۸۹، ۳۹۹؛ امین‌زاده ۱۳۸۱، ۱۰۰)

نتیجه	ویژگی انسان‌گرایی
انسان از جمیع جهات شناخته شده است.	انسان وجودی مستقل و دنیوی است که دیگر پیوندی با کل عالم مسیحیت قرون وسطی ندارد.
آن چه عقل مادی بر آن حکم کند؛ صحیح است.	فرد و عقل‌گرایی اصالت دارند و پیوندی میان عقل با بصیرت و حکمت وجود ندارد.
لذات جسمی ارزش پیدا می‌کند.	طبیعت‌گرایی رنسانس بیشتر در جهت کشف دوباره لذت از طبیعت بود تا شناخت معنوی آن.
عدم پذیرش مسئولیت انسان نسبت به حفظ ارزش‌های ذاتی طبیعت	انسان می‌تواند مستقل از هر عامل دیگر در عالم عمل نماید و اوست که کنترل و هدایت کشتی حیات بشر را در دست دارد.

بشر حقی فراتر از گذشته برای انسان ایجاد می‌شود که تنها به خودش فکر می‌کند و به دنبال رشد منابع مالی و اقتصادی صرف می‌رود. این تمرکز و پیشرفت تکنولوژی و آلودگی‌های ناشی از آن و عدم توجه به مسائل و موضوعات

۴. توسعه‌ی پایدار

با توجه به علم‌گرایی، نگرش اتمیسم و تغییر ارزشگذاری در جامعه‌ی مدرن، اصالت به ماده داده شده و رفاه و امرار معاش انسان هدف غایی شناخته می‌شود. بنابراین در ذهن





شد (دیرباز و دادگر ۱۳۸۴، ۳۱). نخستین کنفرانس سازمان ملل در این باره در استکهلم (۱۹۷۲) تشکیل شد و از دستاوردهای آن بیانیه‌ی مشترک ۱۱۳ کشور با موضوع محیط زیست انسانی است. اجلاس لاهه (۱۹۹۱) و اجلاس زمین در ریودوژانیرو (۱۹۹۲) با حضور نمایندگان ۱۷۶ کشور انجام شد. مهمترین مصوبه‌ی اجلاس زمین «اعلامیه‌ی ریو» است (فراهانی فرد ۱۳۸۹، ۴۳).

دیگر موجب تخریب محیط زیست می‌گردد و بحران‌های زیست محیطی را بوجود می‌آورد. با توجه به این مشکلات جامعه‌ی بشری پیشنهادات و طرح‌های فراوانی جهت غلبه بر آلودگی‌های زیست محیطی ارائه می‌نماید. توسعه‌ی پایدار یکی از این رویکردها می‌باشد (نمودار ۱). با حضور هیأت اعزامی از کشور سوئیس (۱۹۶۸) در سازمان ملل، توجه جامعه‌ی جهانی به اثرات نامطلوب توسعه جلب

ویژگی های جامعه مدرن	تغییر در نگرش ها	تاثیر بر ذهن و رفتار	تاثیر بر محیط زیست	ارائه راه حل برای حل بحران
علم گرایی اتمیسم جدایی انسان از طبیعت تغییر ارزش ها	انسان مدرن اصالت را به ماده می دهد رفاه و امرار معاش هدف غایی می شود	حقی را در ذهن انسان بوجود می آورد که انسان در مرکزیت جهان است. به رشدها تکنولوژی واقتصادی تاکید میشود	پیشرفت لجام گسیخته تکنولوژی مخرب و تخریب محیط زیست و بوجود آمدن بحران های زیست محیطی	توسعه پایدار نیک نگرایی حفاظت گرایی صیانت گرایی اخلاق زمین

نمودار ۱. روند تغییر نگرش به انسان و بوجود آمدن بحران محیط زیست و شکل گیری توسعه‌ی پایدار (مأخذ: نگارندگان)

آمده است توسعه‌ی پایدار به عنوان اتحاد میان اصل عدالت بین معاصران و نسل حاضر و نسل‌های آینده در نظر گرفته می‌شود (بارت^{۱۴} ۱۹۹۶). جدول ۳، ویژگی‌های توسعه‌ی پایدار را از نظر هدف، شیوه‌ی آموزش، مسائل اقتصادی و رابطه‌ی انسان و محیط زیست بیان می‌کند. اولین رویکردها به مفهوم پایداری از طرح‌های جنگلداری منشأ گرفته است (عالی نسب و سوزنچی ۱۳۹۲، ۵۲)

توسعه‌ی پایدار توسعه‌ایست که نیازهای امروز را بدون ضرر رساندن به نیازهای نسل آینده برآورده می‌کند. بر اساس آن، مصرف منابع طبیعی و زیست محیطی نسل فعلی، نباید سبب کاهش امکان مصرف این منابع توسط نسل‌های آینده شود (پرمن و مک گیل ۱۳۸۲، ۱۰۸)؛ آنچه که از ابتدا در تمامی تعاریف مشترک بوده و کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^{۱۳} نیز به آن توجه نمود؛ این است که توسعه‌ی پایدار کاملاً ناظر به عدالت بین نسلی است. در تعریف دیگری

جدول ۳. ویژگی‌های توسعه پایدار (مأخذ: نگارندگان اقتباس از دیرباز و دادگر ۱۳۸۴، ۳۱؛ عالی نسب و سوزنچی ۱۳۹۲، ۵۲-۵۳)

برقراری رابطه‌ای فرهنگی بین محیط طبیعی، انسان و برنامه‌ی توسعه- توافق انسان با طبیعت بهرکرد کیفیت زندگی انسان از طریق حمایت از ظرفیت نگهداشت محیط است. توافق انسان با طبیعت پایداری اقتصادی (حفظ و ارتقاء شرایط اقتصادی)، اجتماعی (تداوم تمدن و کاهش تنش‌ها) و زیست محیطی (حفظ منابع پایه در صورتی که اختیارات آینده را سلب نکند)	هدف
--	-----





استفاده‌ی معقول و منطقی از محیط زیست، منابع طبیعی و مواد اولیه در حین توسعه اقتصادی توجه به نیازهای نسل آتی (تأکید بر عدالت بین نسلی و عدالت درون نسلی) برخورداری از شرایط یکسان در استحصال از منابع زیست‌محیطی مشارکت و همفکری عمومی، وحدت، همبستگی اجتماعی، عدالت و توازن برقراری عدالت اجتماعی، از بین رفتن فقر در جامعه و توزیع عادلانه‌ی امکانات	رابطه‌ی محیط زیست و انسان
شیوه: از طریق مشارکت مستقیم و فعال مخاطبان: از یک طرف سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان، طراحان و مجریان را در برگیرد و از سوی دیگر، کسانی که توسعه را تحقق می‌بخشند؛ یعنی مردم.	آموزش
ارزش تمام منافع و هزینه‌های اجتماعی نیز باید در نظام حسابداری در نظر گرفته شود. در رشد و توسعه‌ی اقتصادی محیط و جامعه‌ی انسانی رابطه‌ی مکمل دارند؛ نه حالت قهرآمیز. سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعتی، اجتماعی چنان در آن طراحی شده است که موجب توسعه‌ای شود که از نظر اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناسی پایدار باشد. در صورت تحمیل هزینه برای نسل‌های آتی، اثرات فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌یابد. عدم کارایی بازار و تأکید بر لزوم دخالت دولت‌ها.	اقتصادی

با توجه به هدف اصلی توسعه‌ی پایدار، تجدید سازمان کل نظام اقتصادی و اجتماعی ضروری است. بنابراین علاوه بر بهبود سطح زندگی، دگرگونی‌های اساسی در نهادها و زیرساخت‌های اجتماعی و مدیریت و نهایتاً در رفتارهای

جدول ۴. دسته‌بندی نظریات اندیشمندان درباره‌ی توسعه‌ی پایدار (مأخذ: نگارندگان، اقتباس از فراهانی فرد ۱۳۸۹، ۴۴-۴۷)

فلسفه فکری	اندیشمند	توضیحات
اقتصادی	رابرت سولو	توسعه و رشد یکسان است. تداوم رشد اقتصادی مهم است. به فرض هم اگر بخش مهمی از منابع محیط زیست در خلال فعالیت‌های اقتصادی تخریب شود؛ این موضوع خود به خود موجب بحران نیست؛ مشروط بر اینکه درآمد حاصل از این منبع صرف پس‌انداز ملی و نه مصرف شود. پس‌انداز نیز برای پژوهش و سرمایه‌گذاری ظرفیت ایجاد نماید. این ظرفیت جدید جایگزین ظرفیت قبلی می‌شود؛ بنابراین لطمه‌ای به تداوم بین نسلی رشد درآمد وارد نمی‌شود.
	زاکس	توسعه‌ی پایدار مستلزم فرآیند تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه‌ی تکنولوژی و تغییرات نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.
	دیوید پیرس	توسعه‌ی پایدار، رشد پایدار بدون گسست یا حداقل عدم کاهش تولید سرانه، تولید ناخالص داخلی یا شاخص‌های دیگر مورد قبول توسعه است.





اکولوژی افراطی	کلوب رم توسط دانشگاه MIT	برای حفظ شرایط زیستی کره‌ی زمین باید رشد اقتصادی و رشد جمعیت هر چه زودتر متوقف شود.
اکولوژی معتدل	پرمن	وضعیت پایدار وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم‌ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوک‌ها را در طول زمان فراهم کند.
	سامسون	پایداری در توسعه‌ی پایدار به مسأله‌ی ظرفیت قابل تحمل کره زمین برمی‌گردد؛ فارغ از آنکه به مفاهیمی همچون نابرابری و عدالت اجتماعی توجه کند.

بنابراین تلقی صاحب‌نظران توسعه‌ی پایدار از انسان همان انسان دوره‌ی رنسانس است و طبیعت را نیز به مثابه حقیقتی خود جوش - که تنها از کمیات ملموس تشکیل شده است - معرفی می‌کند؛ به طوری که تمامی جنبه‌های کیفی طبیعت نادیده گرفته می‌شود. حتی حفظ طبیعت و

جدول ۵. رویکرد توسعه‌ی پایدار نسبت به انسان، محیط زیست و ارتباط آن دو (مأخذ: نگارندگان)

ویژگی	موضوع
انسان محوری و اصالت فرد و عقل‌گرایی انسان نوین وجودی مستقل و دنیوی است. انسان می‌تواند مستقل از هر عامل دیگر در عالم عمل نماید. انسان را از جمیع جهات شناخته‌ایم. انسان قسمتی از طبیعت است و در نتیجه لذات جسمی او اهمیت بسیار دارد.	انسان
کل طبیعت یک حقیقت خودجوش است. مفهوم مکانیکی از نظام طبیعت غالب می‌شود. طبیعت تنها از جنبه‌ی کمیات ملموس مانند اندازه، وزن تشکیل شده است. تمام جنبه‌ها و ابعاد کیفی طبیعت را نادیده می‌گیرد. نگرش به طبیعت به عنوان یک شیئی تهی از هرگونه واقعیت معنوی طبیعت تبدیل به آزمایشگاهی برای اثبات نظریه‌های گوناگون می‌شود.	محیط زیست
برقراری رابطه‌ای فرهنگی بین محیط طبیعی، انسان و برنامه‌ی توسعه احساس مشارکت و مسئولیت مردم در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها استفاده‌ی معقول و منطقی از محیط زیست، منابع طبیعی و مواد اولیه در حین توسعه‌ی اقتصادی است عدالت بین نسلی به مثابه پایداری - استفاده از محیط زیست بدون تضعیف نسل‌های آینده در بهره‌مندی از آن	رابطه‌ی میان انسان و محیط زیست (توسعه‌ی پایدار)



لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا: یعنی آن که مرده بود و ما او را زنده کردیم (در جاهلیت به سر می برد و اینک در تمدن اسلامی به سر می برد) کافر بود و اینک مسلمان است^{۱۶} (سوره انعام، آیه ۱۲۲).

۵-۴. جایگاه محیط زیست در تفکر اسلامی
ویژگی و جایگاه محیط زیست در فلسفه‌ی اسلامی و آیات و روایات در جدول ۶ مشخص می‌شود. نظر اسلام درباره‌ی رابطه انسان و محیط زیست بر این است که این رابطه، قهر و قسر نیست؛ بلکه رابطه‌ای تسخیری است. قهر و قسر به معنای فشار و شتاب تحمیلی از بیرون است. حرکت سنگ به سمت بالا بر خلاف اقتضای طبیعت اوست و بدون اختیار سنگ است. تسخیر جایی است که فعل همراه با طبع فاعل است. عامل بیرون آنچه را که متناسب با طبیعت اوست از او می‌خواهد؛ مثلاً تغییر حرکت آب برای آبیاری به گیاهان، خداوند رابطه‌ی انسان با طبیعت را تسخیری می‌داند؛ البته تسخیرکننده بالذات خداوند است که جهان طبیعت را برای بشر نرم و ذلول کرد^{۱۷}. البته این تسخیر برای کسی است که بار امانت الهی را حمل کند و گرنه کسی که در امانت خیانت کند؛ مجموعه‌ی نظام کیهانی از او اطاعت نمی‌کند و دشمن او می‌شود (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۱۶۵).

تفکر اسلامی منادی تداوم کمال همه موجودات است (جعفری ۱۳۶۰). از طرف دیگر، در اسلام طبیعت به عنوان آیه و تجلی الهی مطرح است. در واقع در دین اسلام عناصر عالم وجود چنان بی‌واسطه به وجود خالق‌ی توانا اظهار دارند که می‌توان آن‌ها را آیه نامید (نقی‌زاده ۱۳۸۸، ۵۳). بنابراین از نظر اسلام هدف غایی، دیگر، ساخت محیط برای زیست نیست؛ بلکه محیط باید به حالتی از کمال درآید و انسان در مقام خلیفه‌ی الهی باید بار امانت الهی را که پذیرفته به دوش بکشد. جایگاه محیط زیست از نظر منابع اسلامی در جدول شماره ۶ به صورت خلاصه بیان می‌گردد.

۵. انسان و محیط زیست از نگاه اسلام^{۱۵}

به منظور تبیین رابطه‌ی انسان و محیط زیست لازم است «انسان» تفسیر و تعریف شود. با تفسیر انسان یا جهان، معلوم می‌شود که آیا این موجود تغییرپذیر است یا نه و در صورت تغییرپذیری راه آن چیست و به کدام قسمت می‌توان آن را تغییر داد و نیز تغییر آن به کدام جهت درست است (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۴۹-۵۰).

از نظر اسلام امکان شناخت انسان وجود دارد؛ زیرا هر انسانی در هر اقلیمی انگیزه‌ی شناختن «انسان» را دارد و چون خداوند حکیم است؛ چنین انگیزه‌ای با هدف به انسان داده شده است. همچنین شناخت خدا و جهان و رابطه‌ی خلق و خالق عقلا و نقلا تکلیف انسان است (جوادی آملی ۱۳۸۷، ۶۰). البته تنها مقداری شناخت برای انسان ممکن است و انسان نمی‌تواند به کنه اشیا پی ببرد.

۵-۱. تعریف انسان در اسلام

منطقیون انسان را حیوان ناطق تعریف می‌کنند که در این تعریف حیوان جنس و ناطق بودن فصل آن است (منتظری مقدم ۱۳۸۸، ۸۱). اما در تعاریف اسلامی انسان «حیّ متاله» تعریف می‌گردد. تاله به معنای خداخواهی مسوق به خداشناسی است. یعنی از نظر اسلام ناطق بودن برای انسان لازم است اما کافی نیست و انسان باید خداخواه خداجو باشد. از نگاه فطری همه‌ی انسان‌ها حی متاله هستند؛ ولی در طول زندگی در زمین بسیاری حس متالهانه‌ی فطری خود را از دست می‌دهند (جوادی آملی ۱۳۸۷، ۶۹). از تقابل «حیّ» و «کافر» در آیه‌ی «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (سوره یس، آیه ۷۰) چنین استنباط می‌شود که مؤمن زنده است و کافر مرده (جوادی آملی ۱۳۸۵، ۱۹۴). همین حقیقت را از تقابل این آیه نیز می‌توان دریافت که «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَجِيبَانُهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ



جدول ۶. محیط زیست و جایگاه آن از نظر منابع اسلامی

(مأخذ: نگارندگان از نقره کار ۱۳۹۲، ۶۰؛ جوادی آملی ۱۳۸۶، ۶۹؛ جوادی آملی ۱۳۸۷، ۳۴؛ خسروی و دیگران ۱۳۹۲، ۲۲)

عنوان	زیرعنوان	ویژگی
فلسفه اسلامی	ابو علی سینا	طبیعت قلمرویی است از واقعیت که برای هدف و غایت خاصی خلق شده است. همه‌ی پدیده‌ها دارای معنی است و حکمت خالق آن همه جا هویداست. غایت طبیعت به تحقق رساندن نظام احسن است.
	ابوریحان بیرونی	جهان حادث است و عالم از عدم بوجود آمده است. چون فکر بشری هیچگاه جانشین حکمت الهی نمی‌گردد؛ بنابراین درک نظام طبیعت با معیار فکر بشری میسر نیست. انسان با اراده‌ی الهی می‌تواند به هماهنگی طبیعت پی ببرد.
	اخوان الصفا	عالم عظیم و با هدف معین است. حقیقت واحد دارد و اجزای آن به هم پیوسته اند. از لحاظ وجود و بقا، محتاج و تابع مبدأ عالم است. همچنان که روح انسان بر بدن او تسلط دارد؛ عالم جسمانی نیز تحت اراده عالم علوی است.
امانت و ظلم		هرگاه دو چیز با محدوده و مرز مشخص وجود داشته باشد؛ تجاوز و تعدی هر یک از آن دو به محدوده‌ی دیگری ظلم است. پس باید سه عنصر ظالم، مظلوم و ظلم باشد تا چنین معنایی تحقق پیدا کند. در قرآن آیاتی ^{۱۸} مشخص می‌کند؛ چیزی در درون انسان وجود دارد که امانت است و متعلق به وی نیست و تعدی به آن ظلم است. اگر کسی بخواهد در ملک دیگران تصرف کند؛ باید از مالک اجازه بگیرد. بنابراین هر نوع تصرف انسان در نفس خودش باید با رضایت مالک باشد. این مطلب در دیگر موجودات نیز صادق است. انسان برای ارتباط با آنان به اذن الهی محتاج است. رابطه‌ی انسان با طبیعت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای بهره‌مندی انسان از طبیعت اجازه خداوند لازم است.
	حق و تکلیف	حقوق و تکالیف به هم آمیخته است. هر چند اصالت با حق است و تکلیف، تبعی است. اگر تکالیفی نباشد؛ همه‌ی حقوق ضایع و پایمال می‌شود. برای حفظ حقوق باید تکالیف را ارج نهاد. انسان حق بهره‌برداری از طبیعت را داشته و در مقابل تکالیفی نیز برعهده دارد. ضایع نمودن و تخریب محیط زیست تجاوز محسوب شده و هر آنکه با فساد و تباهی و تجاوز از حدود خود پیمان الهی را بشکند؛ از رحمت الهی به دور خواهد ماند ^{۱۹} . توجه به بهداشت به عنوان یکی از حقوق مسلم فردی و اجتماعی ^{۲۰}
توجه به نمودهای طبیعت		زندگی بدون احراز سه عامل حیاتی، گوارا نیست: هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصل خیز و قابل کشت و زرع ^{۲۱} . اگر نشایی در دست یکی از شماست و قیامت در آستانه قیام است و مرگ شما قطعی است؛ اگر کمترین مهلت برای غرس نهال و کاشتن آن در اختیار دارید؛ از آن فرصت کوتاه کمک بگیرید و آن را کشت کنید ^{۲۲} . هر کس درخت محتاج به آبیاری را سیراب نماید؛ گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب نمود ^{۲۳} .



۶. نتیجه‌گیری

با رشد علوم و تکنولوژی، بهره‌برداری از طبیعت شدت گرفت و آنچه اهمیت داشت رشد صنعت و صنعتی شدن کشورها بود. به همراه توسعه صنایع، بحران‌های زیست‌محیطی بوجود آمد و با ادامه‌ی این روند، افزایش یافت. با توجه به اهمیت موضوع، جوامع توسعه‌یافته و کشورهای درحال توسعه خواستار راه حلی برای برطرف نمودن مشکلات شدند. گزینه‌های زیادی مطرح شدند که توسعه‌ی پایدار یکی از موارد پیشنهادی برای حل بحران بود. توسعه‌ی پایدار مدعی است که می‌توان نیازهای امروز را بدون ضرر رساندن به نیازهای نسل آینده برآورده کرد. برای این مهم، کنفرانس‌های استکهلم (۱۹۷۲)، لاهه (۱۹۹۱) و ریودوژانیرو (۱۹۹۲) برگزار گردید. با وجود حضور کشورهای مختلف در این مجامع، بحران‌های زیست‌محیطی و آلودگی‌ها روزافزون شده است. کشورهای درحال توسعه مقصر اصلی بحران را فعالیتهای صنعتی کشورهای توسعه یافته (در گذشته) می‌دانند و کشورهای توسعه یافته نیز فعالیتهای صنعتی (حال حاضر) جهان سوم را دلیل تشدید شرایط نامناسب زیست محیطی دانسته و از پرداخت هزینه‌ها و کمک‌های مالی (بر اساس اعلامیه ریو) استنکاف می‌کنند.

توسعه‌ی پایدار توسط جریان‌های فکری، قرائت‌های مختلفی داشته است. برداشت اقتصاددانان از این مفهوم، تداوم بین‌نسلی رشد درآمد و توسعه‌ی تکنولوژی سازگار با حال و آینده می‌باشد. در حالی که اکولوژیست‌های افراطی خواستار توقف رشد اقتصادی و رشد جمعیتی هستند؛ صفرگرایان (رشد صفر اقتصادی) و طرفداران اقتصاد سبز بر این عقیده می‌باشند. اکولوژیست‌های معتدل نیز مصرف متناسب با ظرفیت‌پذیری کره‌ی زمین را مصداق توسعه پایدار می‌دانند.

ادیان الهی و خصوصاً دین اسلام برای تمامی جنبه‌های زندگی انسان، آیین و دستوراتی دارد. اسلام درباره‌ی ارتباط میان انسان و طبیعت و نحوه‌ی بهره‌برداری از آن رهنمودهایی را مطرح می‌کند. از نظر اسلام طبیعت موجودی است هوشمند و دارای

ملکوت و ذی‌شعور که اگرچه برای انسان خلق شده است؛ اما انسان مجاز نیست هرگونه که تمایل دارد از آن استفاده نماید؛ چون طبیعت امانتی در دست انسان است و انسان به عنوان جانشین خداوند باید نسبت به سایر آفریده‌های خداوند - که تسبیح‌گوی ذات اقدس او هستند - امانت‌دار باشد و تکلیف خودش را انجام دهد. در حالیکه توجه توسعه‌ی پایدار به این دلیل است که طبیعت جایگاه و محلی برای رشد و پیشرفت انسان است و توسط سایر نسل‌ها نیز باید مورد استفاده قرار بگیرد. یعنی طبیعت بذات قابل احترام نیست؛ بلکه به دلیل کارکرد آن، حائز اهمیت می‌باشد. همین امر موجب می‌شود که نحوه‌ی استفاده از آن مشخص نشود و جامعه‌ی انسانی تفسیرهای متفاوتی از نوع بهره‌برداری از طبیعت داشته باشد؛ چراکه نسبت به سعادت و پیشرفت انسان‌ها آرای مختلفی وجود دارد.

در این تحقیق نشان داده شد که یکی از علل بوجود آمدن بحران‌های زیست‌محیطی تغییر مفهوم انسان و جایگزینی انسان به جای خداوند در عالم آفرینش است و راه غلبه بر آن، تغییر نگرش افراد نسبت به مفهوم و جایگاه انسان مدرن است. در تفکر انسان‌محوری معاصر، انسان، جایگزین خداوند در زمین قلمداد می‌شود؛ اما در اسلام انسان، جانشین خداوند است و این ایجاب می‌کند که انسان اعمال و رفتار خود را به صفات الهی متصف گرداند که در غیر اینصورت شرط امانت و خلافت را به عمل نیاورده است. نمودار ۲ روند نمای تحقیق را نشان می‌دهد. مقایسه‌ی تطبیقی میان تفکر اسلامی و توسعه‌ی پایدار درباره انسان، محیط زیست و ارتباط آن‌ها با هم، در نمودار ۳ به تصویر کشیده شده است. با مقایسه‌ی مفاهیم اسلامی (نظیر امانت‌داری، حق و تکلیف، سعادت و کمال، هدفمندی کل مخلوقات خداوند، هدایت و تقوا) در مقابل مفاهیم برآمده از جامعه‌ی مدرن (نظیر انسان‌محوری، کمیت‌گرایی، جزءنگری، عدالت بین‌نسلی، رفاه‌طلبی، رشد اقتصادی) تفاوت رویکرد آن‌ها در تعریف انسان و محیط زیست و ارتباط آن‌ها با هم مشخص می‌شود.

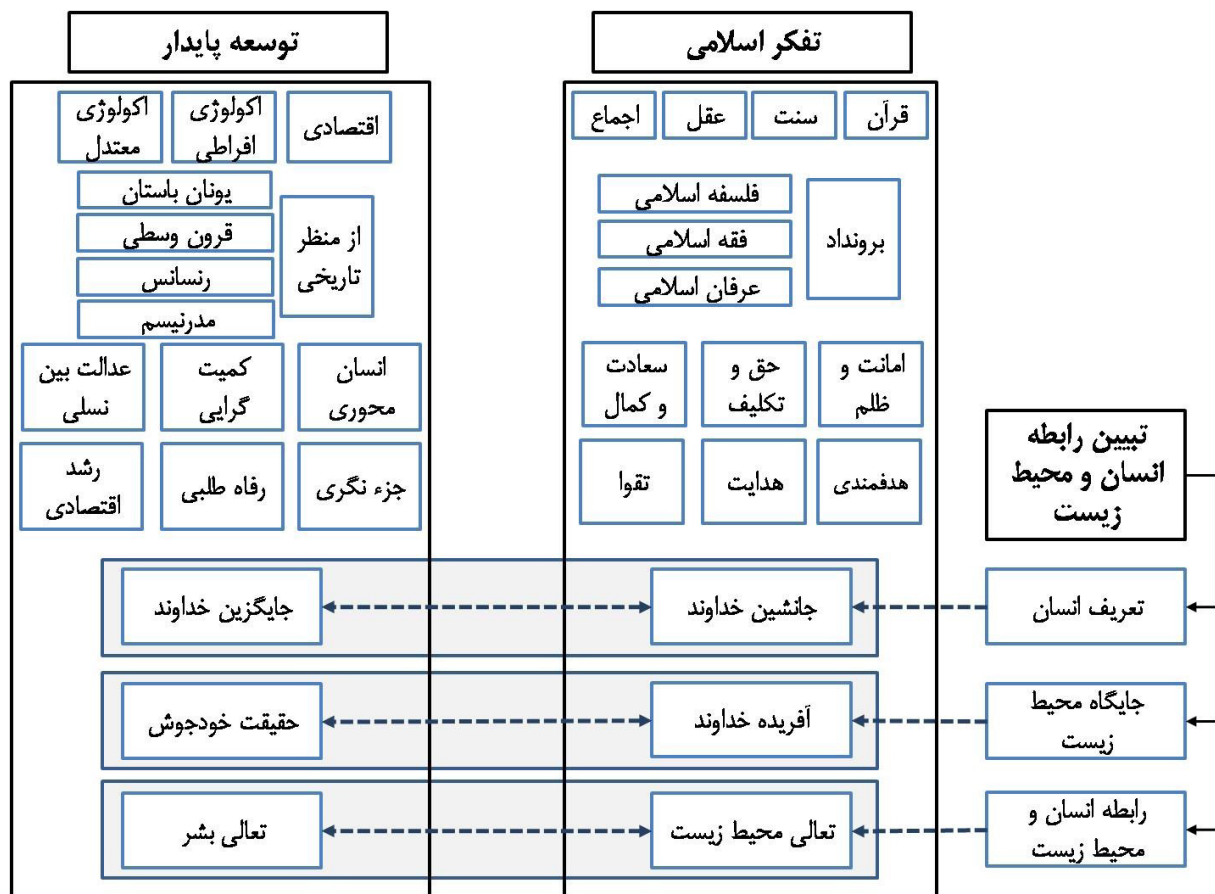
به طور کلی می‌توان گفت توسعه‌ی پایدار همان تعریف مصطلح دوره‌ی رنسانس درباره انسان را قبول می‌کند و





بدون توجه به ریشه‌های به وجود آمدن بحران به مسایل سطحی تأکید می‌کند. توسعه‌ی پایدار می‌خواهد با همان الگوهای فکری حاکم که محیط زیست بشری را به این روز انداخته‌اند؛ به مقابله با آلودگی و تخریب محیط زیست برخیزد و همان شیوه‌ها و الگوهای توسعه‌ی تخریب‌گر را

به یاری بگیرد. آنچه در توسعه‌ی پایدار اهمیت دارد لزوم عدالت بین یک نسل و میان نسل‌ها می‌باشد. پرسشی که مطرح می‌گردد؛ اینست که حدود این عدالت را کدام سازمان یا ارگان مشخص می‌نماید. این سؤالی است که توسعه‌ی پایدار برای آن جوابی ندارد.

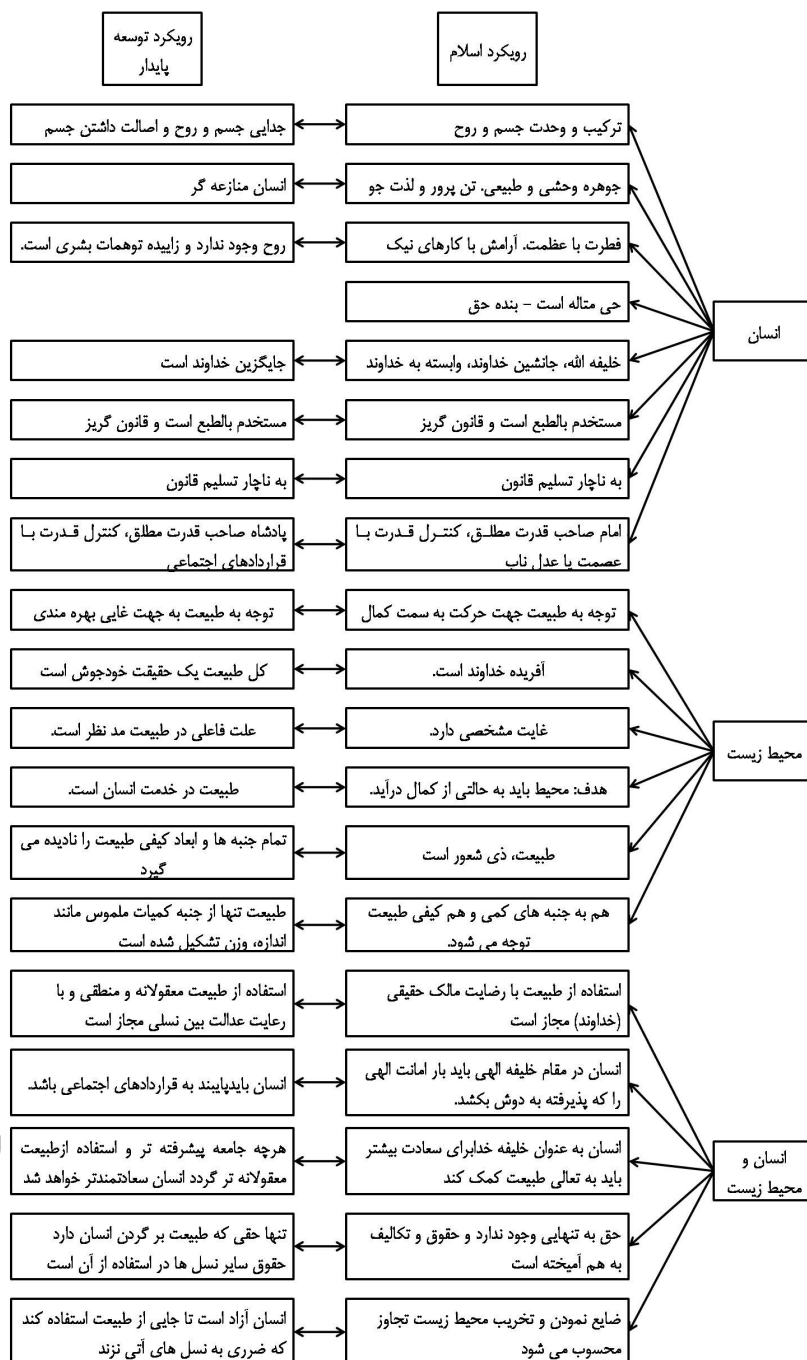


نمودار ۲. روندنمای تحقیق (مأخذ: نگارندگان)





نمودار شماره ۳: مقایسه میان تفکر توسعه پایدار و دیدگاه اسلام درباره انسان و طبیعت ماخذ: نگارندگان



۷. بی نوشت

۱. Conservationism
۲. Preservationism
۳. Social Ecology
۴. Animal Rights





۵. Land Ethic
 ۶. Ecofeminism
 ۷. Stewardship
 ۸. Sustainable Development
 ۹. Rationalism
 ۱۰. Omanism

۱۱. منظور از آموزه‌های قدسی قرآن و سنت می‌باشد (فاضل قانع ۱۳۸۸، ۶۴).
۱۲. فردریک کاپلستون فیلسوف بریتانیایی نیز در نوشته‌های خود به این سه دوره اشاره می‌کند. کتاب ۹ جلدی تاریخ فلسفه‌ی وی شامل موارد زیر می‌شود: جلد اول این مجموعه: یونان و روم، جلد دوم: تاریخ فلسفه‌ی قرون وسطی - آگوستینوس تا اسکوتوس، جلد سوم: تاریخ فلسفه‌ی قرون وسطی - اکام تا سوارز، جلد چهارم: از دکارت تا لایب نیتس، جلد پنجم: فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم، جلد ششم: از ولف تا کانت، جلد هفتم: از فیشه تا نیچه، جلد هشتم: از بنتام تا راسل و جلد نهم: از من دویران تا سارتر.
۱۳. World Commission on Environment and Development, ۱۹۹۷.
۱۴. Barrett
۱۵. اسلام دینی است که برای تمامی حوزه‌های زندگی بشر برنامه و هدف دارد. در منابع اسلامی گاهی بیان مطالب به صورت مستقیم و گاهی به صورت ضمنی است که باید از قراین به آن مطلب پی برده شود. طبق فرمایش حضرت رضا(ع): «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع: بر ماست تا اصول را به شما بگوییم و بر شماست تا به فرعیات و مسائل دیگر آن پی ببرید» (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۲۱). بنابراین می‌توان جزئیات تمامی علوم نافع را بر اساس اصول اسلامی بدست آورد. منابع اسلامی شامل وحی، سنت، عقل و اجماع می‌باشد.
۱۶. احیا دارای دو قسم مادی و معنوی است: احیای مادی، نجات دادن انسان از حریق یا غرق و مانند آن است و احیای معنوی زنده کردن از راه تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه روح؛ و این احیا بر خلاف قتل - که به (بغیر نفس او فساد فی الارض) مقید شده است - هیچ قیدی ندارد. آنچه در آیه «وَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ فَاَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» بدان اشاره شده؛ فرد اعلای احیاء است که بر اساس حدیث امام باقر(علیه‌السلام) هدایت مصداق اعظم آن است (جوادی آملی ۱۳۸۹، ۳۶۵).
۱۷. اَلَمْ تَرَوْا اَنْ اللّٰهُ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ (لقمان، آیه ۲۰)
۱۸. كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (نحل، آیه ۱۱۵)
۱۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (سوره مائده، آیه ۸۷)
۲۰. یکی از ویژگی‌های جامعه موفق از نظر اسلام، جامعه‌ایست که جسم و روان مردم آن سالم باشد (بهداشت جسم و روان). سلامت جسم و روان مهمترین ابزار تکامل انسان است (کلانتری و دیگران ۱۳۹۳، ۲۲)
۲۱. امام جعفر صادق (ع): لا يطيب السكنى الا بثلاث، الهواء الطيب و الماء الغزير العذب، و الأرض الخوازه
۲۲. رسول مکرم اسلام (ص): ان قامت الساعه وفي يد احدكم فسيله فان استطاع ان لا يقوم حتى يغرسها فليغرسها (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۲۷۱)
۲۳. رسول مکرم اسلام (ص): من سقى طلحه او سدره فكاتما سقى مؤمناً من ظمأ (جوادی آملی ۱۳۸۶، ۲۷۱)

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امین‌زاده، بهناز. ۱۳۸۱. جهان‌بینی دینی و محیط زیست درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت. فصلنامه محیط شناسی ۲۸ (۳۰): ۹۷-۱۰۶.
۳. پرم، راجر، یو ما، و جیمز مک‌گیل‌ری. ۱۳۸۲. اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی. ترجمه‌ی حمیدرضا ارباب. تهران: نشر نی.
۴. جعفری، محمد تقی. ۱۳۶۰. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی، جلد ۲. تهران: انتشارات اسلامی.
۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۵. تفسیر تسنیم، جلد ۹. قم: انتشارات اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. اسلام و محیط زیست. قم: انتشارات اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۷. تفسیر انسان به انسان. قم: انتشارات اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹. تفسیر تسنیم، جلد ۲۲. قم: انتشارات اسراء.
۹. خسروی، محمد باقر، محمدرضا بمانیان، و محمد کاظم سیفیان. ۱۳۹۲. نقش هویت‌ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی. دو فصلنامه نقش جهان ۳ (۱): ۱۹-۳۰.



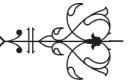


۱۰. درخشه، جلال. ۱۳۸۶. *دانشتنی های علم سیاست (افلاطون)*. تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. دیرباز، عسگر، و حسن دادگر. ۱۳۸۴. *نگاهی به اسلام و توسعه ی پایدار*. تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۲. عابدی سروستانی، احمد، منصور شاه ولی، و سید مصطفی محقق داماد. ۱۳۸۶. ماهیت و دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری* ۲ (۱ و ۲): ۵۹-۷۲.
۱۳. عالی نسب، محمد علی، و کیانوش سوزنچی. ۱۳۹۲. تحقق اهداف توسعه ی پایدار رودرهای شهری بر مبنای ارزیابی اکولوژیکی (نمونه ی موردی: رودر دارآباد تهران). *دو فصلنامه نقش جهان* ۳ (۵): ۶۱-۵۱.
۱۴. فاضل قانع، حمید. ۱۳۸۸. آینده پژوهی و جامعه ی مطلوب اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی* (۱): ۴۵-۶۸.
۱۵. فراهانی فرد، سعید. ۱۳۸۹. مبانی کلامی توسعه ی پایدار. *فلسفه ی دین* ۷ (۵): ۴۱-۶۱.
۱۶. قاسمی، اعظم. ۱۳۹۰. دیدگاه های سیدحسین نصر درباره ی بحران محیط زیست و راه حل های آن. *دو فصلنامه حکمت معاصر* ۲ (۱): ۸۵-۱۰۴.
۱۷. قدوسی فر، سید هادی، فرح حبیب، و مهتیار شهبازی. ۱۳۹۱. حکمت خالده و جایگاه طبیعت در جهان بینی و معماری معابد ادیان مختلف. *باغ نظر* ۹ (۲۰): ۳۷-۵۰.
۱۸. کاظمی، محمد، و مجتبی اکبریان. ۱۳۹۳. دیدگاه های متفاوت بشر به جایگاه طبیعت بر اساس نظرات آیین بودایی و آراء دکارت. *کنگره ی بین المللی فرهنگ و اندیشه ی دینی*.
۱۹. کدیور، محسن، و عبدالرسول حسینی فر. ۱۳۸۶. نسبت نظریه ی مثل افلاطون با فلسفه ی سیاسی او. *مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)* (۵۱): ۸۵-۱۰۲.
۲۰. کلانتری خلیل آباد، حسین، مهدی حقی، و محسن دادخواه. ۱۳۹۳. مؤلفه های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی. *دو فصلنامه نقش جهان* ۴ (۱): ۱۷-۲۶.
۲۱. منتظری مقدم، محمود. ۱۳۸۸. *منطق* ۱. مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۲. نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. *دین و نظام طبیعت*. ترجمه ی محمدحسن فغفوری. تهران: انتشارات حکمت.
۲۳. نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۹۳. *انسان، طبیعت و معماری*. تهران: انتشارات پیام نور.
۲۴. نقی زاده، محمد. ۱۳۸۴. *جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۲۵. نقی زاده، محمد. ۱۳۸۸. *مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی*، جلد اول. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

References

1. *Holy Quran*.
2. Abedi Sarvestani, Ahmad, Mansor Shahvali, and Seyed Mostafa Mohaghegh Damad. 2007. Essence and Outlooks of Environmental Ethics with Emphasis on Islamic Perspective. *Ethics in Science and Technology* 2 (1 and 2): 59- 72.
3. Alinasab, Mohammad Ali, and Kianosh Suzanchi. 2013. Sustainable Development of Urban River Valley Based on Ecological Assessment (Case study: Darabad River Valley, Tehran). *NaqsheJahan* 3 (5): 51- 61.
4. Aminzadeh, Behnaz. 2003. Religious Ideology and Environment an Introduction to Islamic View towards Nature. *Environmental Studies* 28 (30): 97- 106.
5. Barrett, C. B. 1996. Fairness, Stewardship and Sustainable Development. *Ecological Economics* (19): 11- 17.
6. Derakhsheh, Jalal. 2007. *Politics Knowledge (Plato)*. Tehran: Social and Cultural Department of the Ministry of Science, Research and Technology. Office of Social Planning and Cultural Studies.
7. Dirbaz, Asgar, and Hassan Dadgar. 2005. *Review of Islam and Sustainability*. Tehran: Young Thought Center.
8. Farahi Fard, Saeed. 2010. Theological Fundamentals of Sustainable Development. *Philosophy of Religion* 7 (5): 41- 61.
9. Fazel Ghane, Hamd. 2009. Futures Studies and the Islamic Ideal. *Marefat I Farhangi and Ejtemaii* (1): 45-68.
10. Ghoddisifar, Seyed Hadi, Habib Farah, and Shahbazi Mahtiam. 2012. Sophia Perennis and Nature's Place in Ideology and Temples Architecture of Religious Sites. *Bagh-i-Nazar* 9 (20): 37- 50.
11. Jafari, Mohammad Taghi. 1981. *Interpretation and Critical Analysis of the Mathnawi of Jalal al-Din Muhammad Molavi, Volume 2*. Tehran: Eslami.
12. Javadi Amoli, Abd Allah. 2006. *Tasnim Interpretation*, Volume 9. Qom: Esra.
13. Javadi Amoli, Abd Allah. 2007. *Islam and Environment*. Qom: Esra.
14. Javadi Amoli, Abd Allah. 2008. *Human Interpretation*. Qom: Esra.
15. Javadi Amoli, Abd Allah. 2010. *Tasnim Interpretation*, Volume 22. Qom: Esra.
16. Kadivar, Mohsen, and Abd al-Rasoul Hasanifar. 2007. Comparing Plato's Theory with His Views. *Journal of the Faculty of Letters and Humanities of Isfahan University* (51): 85-102.





17. Kalantari Khalilabad, Hossein, Mahdi Haghi, and Hosein Dadkhah. 2014. Social Components of Islamic-Iranian Urban Planning Pattern. *Naqshejahan* 4 (1): 17-26.
18. Kazemi, Mohammad, and Mojtaba Akbarian. 2014. Different Attitudes toward Nature Regarding based n Buddhist and Descartes' Ideas. *International Congress on Religious Culture and Thought*.
19. Khosravi, Mohamad Bagher, Mohammad Reza Bemanian, Mohammad Kazem Seyfian. 2013. The Role of the La'Zarar in the Formation of Islamic Architecture Pattern. *Naqshejahan* 3 (1):19 -30.
20. Montazeri Moghaddam, Mahmood. 2009. *Logic 1*. The Management of Qom Seminary.
21. Naghizadeh, Mohammad. 2005. *Status of Nature and Environment in Iranian Culture and Cities*. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch.
22. Naghizadeh, Mohammad. 2009. *Foundations of Religious Art in Islamic Culture, Volume 1*. Daftar-e Nashr-e Farhang-e Islami.
23. Nasr, Seyed Hossein. 2010. *Religion and the Order of Nature*. Translate by Mohammad Hassan Faghfoori. Tehran: Hekmat.
24. Nogherkar, Abdolhamid. 2014. *Huma, Nature and Architecture*. Tehran: Payame Noor.
25. Qasemi, Azam. 2011. The Viewpoint of Seyyed Hossein Nasr Regarding the Environmental Crisis and its Solution. *Contemporary Wisdom* 2 (1): 85- 104.
26. Perman, Roger, Yue Ma, and James Mcgilvray. 2003. *Natural Resources and Environmental Economics*. Translated by Hamidreza Arbab. Tehran: Ney.
27. World Commission on Environment and Development. 1997. *Our Common Future*. London: Oxford University Press.

Archive of SID





Comparative Study of the Relationship between Human and the Environment in Sustainable Development Thought and Islamic Thought

Iman Ghalandarian *

PhD Student in Urban Planning and Design, Tarbiat Modares University.

Aliakbar Taghvaei **

Associate professor, PhD of architecture, Tarbiat Modares University.

Maryam Kamyar ***

Assistant Professor, Department of Art, Iranian Institute for Encyclopedia Research.

Received: 13/09/2015

Accepted: 01/03/ 2016

Abstract

Environmental crises are one of the major challenges that human community is facing. Different schools have expressed different solutions to solve these crises, for example: Conservationism, Preservationism, Social Ecology, Animal Rights, Land Ethic, Ecofeminism, Stewardship, Sustainable Development etc. Sustainable development is a recent solution of human society proposed in response to inappropriate human exploitation of the environment. Sustainable development has been defined in many ways, but the most frequently quoted definition is from Our Common Future, also known as the Brundtland Report: «Sustainable development is development that meets the needs of the present without compromising the ability of future generations to meet their own needs. It contains within it two key concepts: the concept of needs, in particular the essential needs of the world's poor, to which overriding priority should be given; and the idea of limitations imposed by the state of technology and social organization on the environment's ability to meet present and future needs.»

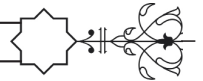
All definitions of sustainable development require that we see the world as a system—a system that connects space; and a system that connects time. In the extensive discussion and use of the concept since then, there has generally been a recognition of three aspects of sustainable development: Economic: An economically sustainable system must be able to produce goods and services on a continuing basis, to maintain manageable levels of government and external debt, and to avoid extreme sectoral imbalances which damage agricultural or industrial production. Environmental: An environmentally sustainable system must maintain a stable resource base, avoiding over-exploitation of renewable resource systems or environmental sink functions, and depleting non-renewable resources only to the extent that investment is made in adequate substitutes. This includes maintenance of biodiversity, atmospheric stability, and other ecosystem functions not ordinarily classed as economic resources. Social: A socially sustainable system must achieve distributional equity, adequate provision of social services including health and education, gender equity, and political accountability and participation.

However, there are still environmental crises and pollutions in the world, and failure to fulfill its

* iman_gh2006@yahoo.com

** taghvaea@modares.ac.ir

*** kamyar@iecf.ir



goals would be owing to the roots and fundamental view of this approach to the human and environment as well as the relationship between human and the environment. Therefore «Human» should be studied in Western Philosophy.

Islam Religion has also recommended specific procedures for the use of nature and human relationships with it. The Holy Quran, The Sunnah, wisdom and Consensus are four fundamental sources of rules and laws. They contain provisions on how to best handle the environment and ensure sustainable development. God Almighty made all other creatures and blessings in the universe (e.g., water, air, animals, plants, inanimate creatures, the earth, sun, moon) accessible to human beings. That means that human beings are entitled to utilize and search for these resources to build their own lives and the universe, in accordance with God's instructions.

Methodology

This article compares these two thoughts (Sustainable Development of Islamic religion) through a descriptive-analytical method. The methodology of this research is descriptive-analytical. The present article first investigates the relationship between human and the environment during classic era (Ancient) and Middle Ages and also its evolution to the Modern Ages and then, implies to the Sustainable development and its characteristics. Next, human and the environment are defined in Islamic philosophy and texts, and the relationship between them will be also explained. Finally, the relationship between human and the environment will be compared under these two thoughts.

Results

It has been shown in the present research that changing in the concept of human and the replacement of human with God in the Universe is one of the causes of environmental crises. The solution to overcome this problem is changing the people's attitude to the concept and position of modern human. Sustainable development accepts the so called definition of Human during Renaissance, and then focuses on the sketchy concepts regardless of the causes of these crises. Sustainable development wants to fight against the pollution and environmental degradation through those ruling patterns causes such environment for human, and wants to get the help of the same methods and procedures of destructive development.

Thus, From the perspective of Islam, nature is a living existent, intelligent with reason; although it has been created for human, but human is not allowed to use it all that wish, because it is trusted to human and human, as the "Steward of God" must be trustee to the other creations of God and do all its assignments. While the focus of sustainable development is regarding the fact that nature is a place for the growth and development of human and it must be also used by the next generations. Meaning that, nature is not respectable by itself, but also it is important due to its function. This is why it is not clear how to use it and human community has different interpretations of exploitation of the nature, since there are different views on the human prosperity and development. The results show that there is a need to the revolution and changing conceptions of human and also re-illustrate nature and human relationships to resolve these crises. The place of nature and human within the universe must also be revised.

Keywords: Human, Environment, Islam, Sustainable Development.

